

# بازهم خلاقیت در مدرسه!

حسین باقری  
سرگروه آموزشی، بوشهر

اشاره

خلاقیت یکی از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر درباره آن بسیار گفته و نوشته‌اند و چه حرف‌های مکرری که در این عرصه بر زبان‌ها و قلم‌ها جاری نشده‌است! از همین رو، یعنی به‌منظور پرهیز از این تکرارهاست که رشد معلم در چاپ مقالاتی که با این موضوع دریافت می‌کند، امساک به خرج داده‌است. مقاله حاضر اما تا حدی متفاوت است. به همین دلیل، مبادرت به چاپ آن می‌کنیم با این حال، در مورد همین مقاله نیز توضیح نکته‌ای را لازم، بلکه مهم، می‌دانیم. ۲۰ پیشنهادی که نویسنده برای بهبود خلاقیت مطرح کرده و اغلب آن‌ها قابل توجه است، همان اندازه که بیان کردن و نوشتن یا به قلم آوردن آن‌ها نسبتاً ساده و راحت است، به‌عمل آوردن و اجرا کردن آن‌ها دشوار است. دلیل آن روشن است! هر یک از این پیشنهادها - که همه کاربردی هستند - برای اجرایی شدن یا به مرحله عمل رسیدن و تبدیل به عادت و مهارت شدن، به آموزش نیاز دارد و باید راجع به هر کدام از آن‌ها بسیار نوشت و بسیار گفت و تجربه کرد تا به هدف نایل شد. برای مثال، واقعاً چگونه می‌توانیم «اندیشه‌های دیگران را ارزشمند بدانیم و به آن‌ها توجه نشان دهیم؟» (پیشنهاد ۴) یا در فرهنگ بزرگ سالاری که ما داریم، چگونه می‌توانیم «دو برابر آنچه به فرزندان خود می‌گوییم، به سخنان آن‌ها گوش دهیم؟» (پیشنهاد ۱۴). این‌ها نکته‌هایی است که البته نویسنده محترم نیز به آن‌ها اشاره کرده‌است، به هر حال، اندکی تعمق نشان می‌دهد که هر یک از این پیشنهادها روانی است از موانع بزرگی که جامعه تعلیم و تربیت ما با آن روبه‌روست؛ نه تنها در راه بروز دادن خلاقیت بچه‌ها، بلکه حتی در مورد راه و رسم زندگی روزمره، به‌نظر شما، برای تبیین هر یک از این موارد و تبدیل کردن آن‌ها به عادت یا مهارت در معلم، مدیر، مربی، پدر، مادر و... چه باید کرد؟ رشد.

بی‌گمان همه ما، چه پدران و مادران و چه آموزگاران، دبیران و کارشناسان آموزش و پرورش، می‌خواهیم دانش‌آموزانی خلاق داشته باشیم، اما ممکن است از نقش خود در پرورش چنین دانش‌آموزانی به خوبی آگاه نباشیم. این کم‌آگاهی نسبت به نقش خود باعث می‌شود که عوامل دیگری را نقش‌آفرین اصلی در پرورش توانایی‌های آموزشی در دانش‌آموزان معرفی کنیم که در واقع نقش‌آفرین نیستند. در این یادداشت، به مجموعه عوامل اثرگذار بر پرورش خلاقیت، مانند سامانه‌ای یکپارچه، نگاهی خواهیم داشت.

چه عواملی در خلاقیت دانش‌آموزان نقش دارند؟ در پاسخ باید گفت، هر عاملی که در آموزش دانش‌آموزان نقش دارد، در بهبود خلاقیت آن‌ها نیز مؤثر است. این عوامل بسیاریند و می‌توان آن‌ها را تقسیم‌بندی کرد: خانواده، معلم، مدرسه، مواد آموزشی و جامعه. اگر برهم‌کنش‌های میان این پنج دسته با یکدیگر و دانش‌آموزان را ورودی یا درون‌داد یک سامانه در نظر بگیریم، برون‌داد سامانه می‌تواند بهبود خلاقیت یا برعکس کاهش خلاقیت در دانش‌آموزان باشد. اکنون برای اینکه درون‌داد مناسب برای سامانه پرورش خلاقیت را ارزیابی کنیم، می‌توانیم کلیدواژه خلاقیت را

در اینترنت جست‌وجو کنیم و هر بار یکی از کلیدواژه‌های خانواده، معلم، مدرسه، مواد آموزشی و جامعه را به آن بیفزاییم. با این کار، به مقاله‌ها و یادداشت‌های کارشناسان گوناگون درباره پرورش خلاقیت دست می‌یابیم. سپس با خواندن این نوشته‌ها می‌توانیم اندیشه‌های مشترک موجود در همه آن‌ها را بیرون بیاوریم. اغلب این نوشته‌ها هفت شرط زیر را برای پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان مهم دانسته‌اند؛ این‌ها حاصل جست‌وجوی خودم در اینترنت است:

۱. آزادی اندیشه و عمل؛
  ۲. تقویت خیال‌پردازی؛
  ۳. برانگیختن پرسشگری؛
  ۴. احترام نهادن به اندیشه دیگران؛
  ۵. پرهیز داشتن از یک‌سونگری؛
  ۶. دادن فرصت اشتباه؛
  ۷. پرهیز از حافظه‌محوری.
- اکنون شرط شماره یک را به‌عنوان نمونه در چارچوب سامانه‌ای که تعریف شد بررسی می‌کنیم.
- خانواده:** پدر و مادر تا چه اندازه به فرزندان خود اجازه می‌دهند در مدیریت خانه و خانواده نقش داشته باشند؟
- ما، خودمان، تا چه اندازه از فرزندان خود برای برنامه‌ریزی یک میهمانی یا سفر نظرخواهی می‌کنیم؟ تا چه اندازه به فرزندان خود در انتخاب خوراکی

و پوشاک آزادی عمل می‌دهیم؟ تا هنگامی که همواره بهترین نظرها فقط برای پدران و مادران باشد، آیا فرصتی برای تمرین اندیشیدن برای فرزندان فراهم می‌شود؟

**معلم:** آیا دانش‌آموزان همواره باید مسئله‌هایی را حل کنند که فقط یک پاسخ دارد؟ آیا معلم جرئت کافی برای پذیرش اندیشه‌های مخالف با اندیشه خود را دارد؟ تا چه اندازه به دانش‌آموزان خود اجازه می‌دهد در فرایند تدریس مشارکت داشته باشند؟ در یک کلاس معلم محور که دانش‌آموزان فقط شنونده سخنان معلم هستند و همان سخنان را باید در برگه آزمون درج کنند، آیا جایی برای پرورش خلاقیت باقی می‌ماند؟

**مدرسه:** مدیران مدرسه تا چه اندازه از پیشنهادها و پیشنهادهای دانش‌آموزان برای اداره بهتر مدرسه استقبال می‌کنند؟ اگر معلمی خواست به جای پرسش‌های بسته (که فقط یک پاسخ دارند)، پرسش‌های باز (مانند نقد یک شخصیت تاریخی) مطرح کند، کدام مدیر از او پشتیبانی می‌کند؟ اگر رتبه دانش‌آموز در آزمونی چهارگزینه‌ای، برای مدیر مدرسه و خانواده ارزشمندتر باشد، دیگر نمی‌توان به پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان امیدوار بود.

**مواد آموزشی:** برنامه درسی تا چه اندازه در انتخاب محتوا و چگونگی



حسین باقری  
معلم نمونه کشوری  
(۱۳۹۱-۱۳۹۰)  
استان بوشهر

حسین باقری متولد دوراخک شهرستان دیر در استان بوشهر است. مدرک کارشناسی آموزش ابتدایی دارد و هم‌اکنون ضمن تدریس در پایه ششم، سرگروه آموزشی گروه ابتدایی شهرستان نیز است. وی که در سال ۱۳۷۰ به استخدام آموزش و پرورش درآمد، همواره در تلاش برای آموزش و یادگیری بوده است. او طرح‌ها و پیشنهادهایی برای بهبود این فرایند ارائه کرده که مورد توجه مسئولان قرار گرفته است و بعضی از آن‌ها اجرایی شده است. باقری در سال ۸۵ معلم نمونه در شهرستان دیر و در سال ۸۷ معلم نمونه استان شد. سرانجام نیز در سال گذشته به عنوان معلم نمونه کشوری معرفی گردید.

باقری مقالاتی نوشته که در مجلات رشد چاپ شده اند. او چند کتاب نیز دارد؛ از جمله: کتاب کار اجتماعی پنجم، کتاب کار علوم پنجم، کتاب آموزش مفاهیم ریاضی پایه پنجم، سیری در زندگی حضرت زهرا(س)، و کتاب میراث‌های جاودان.

دارد که همه اجزای آن باید به نقش خود آگاه باشند و برای رسیدن به این هدف بزرگ، «کنش‌های هم‌افزا» داشته باشند. باید بپذیریم همه ما از خانواده تا مدرسه و معلم، از سازمان‌های آموزشی و رسانه‌های گوناگون تا اجزای خرد و کلان جامعه، در افزایش یا کاهش خلاقیت در جامعه خود نقش داریم. بنابراین، بکوشیم به اندازه توان خود در آفرینش جامعه خلاق نقش داشته باشیم.

### پیشنهادهایی برای بهبود خلاقیت در دانش‌آموزان

غالباً گمان می‌کنیم که خلاقیت یعنی پدیدآوردن چیزی نو از هیچ و فقط افراد ویژه‌ای این توانایی را دارند. اما بهتر این است که بگوییم: خلاقیت یعنی برداشتی دیگر از اندیشه‌های پیشین، مقایسه اندیشه‌ها برای رسیدن به اندیشه تازه، آمیختن طرح‌های پیشین برای رسیدن به طرحی نو، تعریف دوباره رابطه‌ها و قانون‌ها، کشف رابطه میان اجزای از پیش موجود و چیزهایی از این دست. بنابراین، خلاقیت بیش از آنکه ذاتی باشد، آموختنی است. آنچه در زیر می‌آید راه‌ها یا پیشنهادهایی است که می‌تواند به بروز و رشد خلاقیت کمک کند:

۱. باید گوش شنوا برای پرسش‌های دانش‌آموزان داشته باشیم.
۲. داستان‌های خیال‌برانگیز برای فرزندان خودمان بخوانیم.
۳. از دانش‌آموزان بخواهیم داستان‌های نیمه‌تمام را کامل کنند.
۴. اندیشه‌های دیگران را ارزشمند بدانیم و به آن توجه نشان دهیم.
۵. جسارت در بیان اندیشه را، با پرهیز از بی‌احترامی به دیگران، به بچه‌ها یاد بدهیم.
۶. با فرزندان خود بازی‌های فکری انجام دهیم.
۷. همراه با بچه‌ها، به فعالیت‌های هنری، مانند نقاشی و موسیقی، پردازیم.
۸. اندیشه‌های کودکان را کوچک شماریم و آن‌ها را تشویق کنیم.
۹. بیش از اندازه لازم به نمره‌های درسی دانش‌آموزان توجه نشان ندهیم.

ارزشیابی، به معلم آزادی عمل می‌دهد؟ آیا کتاب‌های کمک‌درسی با انبوهی از پرسش‌های بسته و پاسخ‌های سراسر، مجال اندیشیدن را از دانش‌آموزان نمی‌گیرند؟ اگر کتاب درسی یعنی تنها منبعی که باید جمله‌به‌جمله آن را به حافظه سپرد و معلم و کتاب کمک‌درسی تنها عاملی برای تسهیل این فرایند هستند، دیگر اندیشیدن به روش‌های نوآورانه، فقط نوعی تعارف است.

**جامعه: مردم و مدیران جامعه تا چه اندازه پذیرای اندیشه‌های نو هستند؟ مردم در بیان اندیشه‌های خود تا چه اندازه آزادی دارند؟ مدیران جامعه تا چه اندازه از نواندیشان در زمینه‌های علمی و پژوهشی پشتیبانی می‌کنند؟ اگر مدیران جامعه غالباً کسانی باشند که فقط یک سخن را بارها تکرار یا یک اندیشه را با لفظ‌های مشابه بازگو کنند، آن‌هایی که نگرش دیگری به مفاهیم و مسئله‌ها دارند باید هزینه‌های سنگین بپردازند و خلاقیت در جامعه کم‌فروغ می‌شود. اکنون جامعه‌ای را در نظر بگیرید که مدیران آن پذیرای اندیشه‌های متفاوت هستند و پذیرفته‌اند که با نگاه متفاوت به مسئله، می‌توان به راه‌حل‌های بهتری برای آن دست یافت. در چنین جامعه‌ای، تولیدکننده مواد درسی در برنامه درسی، کتاب درسی و چارچوب ارزشیابی، جایگاه ویژه‌ای برای خلاقیت در نظر می‌گیرد. در نتیجه، مدرسه و معلم، جسارت کافی برای فراهم کردن زمینه‌های پرورش خلاقیت پیدا می‌کند. اما چه هنگام مدیران جامعه پذیرای اندیشه‌های متفاوت می‌شوند؟ هنگامی که پدران و مادران فرهیخته به کودکان خود آزادی اندیشه و عمل بدهند و خود الگویی برای پذیرش اندیشه‌های متفاوت باشند. زیرا کودکان امروز مدیران فردا هستند. بی‌گمان پدران و مادران برای ایفای این نقش مهم باید آموزش‌های کافی ببینند. از این رو، باید در برنامه درسی جایگاه ویژه‌ای برای آموزش خانواده در نظر گرفت و ارتباط معلم و مدرسه با خانواده باید پررنگ‌تر شود. از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان به سامانه یکپارچه‌ای نیاز**

۱۰. از دخالت بیش از حد در زندگی فرزندانمان پرهیزیم.
۱۱. مهارت‌های حسی (مانند دقت در نگریستن) و ذهنی (مانند توانایی مقایسه) را در کودکان و دانش‌آموزان پرورش دهیم.
۱۲. درباره کاربردهای متفاوت یک ابزار یا ماده با دانش‌آموزان گفت‌وگو کنیم.
۱۳. از فرزندان خود نظر بخواهیم تا احساس کنند که ما به نظر و نگاه دیگران توجه می‌کنیم.
۱۴. دو برابر آنچه به فرزندان خود می‌گوییم، به سخنان آن‌ها گوش دهیم.
۱۵. به جای پرکردن ذهن بچه‌ها از اندیشه‌های گوناگون، روش‌های ارزیابی اندیشه‌ها را به آن‌ها یاد بدهیم.
۱۶. دانش‌آموزان خود را در فرایند آموزش سهیم کنیم.
۱۷. دانش‌آموزان را با زندگی دانشمندان و مردمان خلاق آشنا کنیم.
۱۸. همراه با برنامه‌ریزی برای فرزندان، روش برنامه‌ریزی را هم به آنان بیاموزیم.
۱۹. مهارت‌های پژوهشی را در دانش‌آموزان تقویت کنیم.
۲۰. خود بپذیریم و به آن‌ها نیز یاد دهیم که اشتباه کردن بهتر از پذیرش کورکورانه است.